

آغاز مرحله تدوین سریال گیله‌وا از امروز

ضبط سریال گیله‌وا به پایان رسید

آخرین روز ضبط سریال *گیله‌وا* روز گذشته (*چهارشنبه*) در روستای زنان از توابع استان تهران انجام شد و با فیلمبرداری برداشت‌های آخر این سریال وارد مرحله تدوین می‌شود.

به گزارش روابط عمومی سریال *گیله‌وا*؛ این در شرایطی است که پیش از این بیشتر سکانس‌های این سریال در کیشهر و سیاهکل استان گیلان فیلمبرداری شده بود و از اوایل هفته پیش برای ضبط برداشت‌های آخر به استان تهران منتقل شده بود و در این مدت آخرین سکانس‌های خود را در شهرک سینمایی غزالی و زنان شهریار پشت سر گذاشت. ضبط سریال *گیله‌وا* به کارگردانی و نویسندگی اردلان عاشروری و تهیه‌کنندگی امیر بنسان از ابتدای تابستان امسال با نقش آفرینی بازیگرانی چون «پرویز شعبی»، «حمیدرضا یگانه»، «ستاره اسکندری»، «مهدی زمین‌پرداز»، «امیرحسین هاشمی»،



چاپ پنجم «عمار حلب» با طرح جلد متفاوت منتشر شد

چاپ پنجم کتاب «عمار حلب» زندگی‌نامه شهید محمد حسین محمد خانی که توسط محمد علی جعفری تدوین شده از سوی انتشارات روایت فتح با طرح جلد جدید روانه بازار کتاب شد.

کتاب «عمار حلب» به قلم محمدعلی جعفری، قرار است ما را با شخصیت

ناب شهید مدافع حرم محمدحسین محمدخانی آشنا کند. این کتاب هفتمین کتاب از مجموعه مدافعان حرم است که انتشارات روایت فتح آنها را منتشر کرده‌است.

در بخشی از این کتاب آمده: صبح بین ساعت شش و هفت بود که آن مکالمات پشتی بی‌سیم را می‌شنیدیم، فرماندهی ایشان را صدا کرد و گفت اتفاقی در محور کناری ما افتاده. الان مسلمون از نقطه‌ای می‌خواهند به این محور نفوذ کنند، اگر آنجا سقوط کند محور ما هم آسیب می‌بیند. او با اینکه شناختی از آن زمین و آن منطقه و آن محور کنار دستنی نداشت، قبول کرد. شب قبلیش می‌گفت: «منتظرم از اینکه توی زمین‌ی که نمی‌شناسم عملیات کنم.»

این بار به دوش کشید به خاطر اینکه زحمت چند روز گذشته بچه‌ها هدر نرود و خط شکسته نشود. آنجا نقطه مسئولیت او نبود. چهار، پنج نفری راه افتادند. شبانه رفتند برای شناسایی. صبح عملیات درگیر شدند. به روشنایی خورده بودند. یک مقعد کار گره خورد. شش، هفت



دوستان از پشت میزش افتاد کف اتاق. از حال رفت. پاهایش را دراز کردیم. به هوشش آوردیم و آب قند دادیم پیش، به فکر این بودیم چه کسی را جایگزین حاج‌عمار کنیم. کسی که چنگنده، خستگی ناپذیر، شجاع و مدبر باشد و با نیروها بجوشد. واقعاً کسی را نداشتیم. حاج‌قاسم بعد از شهادت حاج‌عمار از دیده‌بوندن می‌گفتند «مثل کسی بوده که روزها و شب‌های متمادی عملیات کرده و حالا از فرط خستگی خیلی راحت خوابش برده».

چاپ پنجم کتاب «عمار حلب» اثر محمدعلی جعفری در ۴۵۰ صفحه از سوی نشر روایت فتح با قیمت ۱۹ هزار تومان روانه بازار کتاب شده که در مجموع ۸هزار نسخه از این کتاب منتشر شده‌است.



یکی از جدیدترین **نماهنگ‌های هادی فاعور** در شبکه‌که **طه یسا** عنوان «**ایها السیط** **یابین البتول**» به مناسبت **ماه محرم و ایام عزاداری** سالار شهیدان حضرت **اباعبدالله‌الحسین** (ع) تولید شده‌است.

سوریه‌ای است. او متولد شهر فوعه در کشور سوریه به است. فوعه و کفری یا همان و شهر شیعه‌نشین هستند که سال‌ها در محاصره تروریست‌های تکفیری از جمله داعش بودند.

مداحی‌ها و ترانه‌های حماسی فاعور در فضای مجازی طرفداران زیادی از کشورهای مختلف را جذب خود کرده است. مردم عرب‌زبان منطقه، هادی فاعور را با عنوان «مشدالمقاومه» یعنی «خواننده مقاومت» می‌شناسند.

شناخته شدن هادی فاعور در ایران از فیلم مداحی‌ او در مراسم تشییع دو تن از شهدای مدافع حرم حزب‌الله لبنان آغاز شد. اما شهرت فاعور در لبنان به نمانگ‌هایی برمی‌گردد که مؤسسات فرهنگی تحت حمایت حزب‌الله از او ساخته‌اند. آغاز شهرت فاعور در کشور لبنان بیشتر از نمانگ «انا تائو» به معنای «من انقلابی‌ام» آغاز شد. او در این نمانگ شعیری درباره خط انقلابی و مقاومت و نیزه مطهر حرم حضرت زینب(س) در دمشق اجرا کرده‌است. نمانگ‌های کودکانه و حماسی او در لبنان محصول شبکه «طه» و مؤسسه «بنت‌الهدی» بوده‌است. مداحی‌های مختلف هادی فاعور در محافل شیعیان حزب‌الله لبنان

فرهنگ‌روز

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۶

تأثیر مستقیم اسلام‌ستیزان بر اسلامگرایی در غرب!



■ **معصومه طاهری**

از آنجا که غرب با کمک رسانه‌های خود همواره سعی دارد تصویری منفی از اسلام را ترسیم کند و با موج اسلام‌هراسی افکار عمومی را نسبت به اسلام و مسلمانان بدبین کند، اما همچنان می‌بینیم که چطور خدا-نور و گرمای اسلام را در دل‌ها می‌تاباند و به قولی عِدو سبب خیر می‌شود.

مانند آن زمان که تونی رابینسون رهبر سابق گروه لیگ دفاع انگلیس، یک گروه نژادپرست انگلیسی، در اقدامی اسلام‌ستیزانه در تلویزیون ملی این کشور نسخه قرآن مجید را با خود آورده و با خطاری جمع از مردم خواست بود کتاب قرآن را بخوانند تا متوجه شوند اسلام چه دین خشونت‌طلبی است.

سه ماه پس از این واقعه، «کریستوز لوتیز» از تونی رابینسون به خاطر این در خواست تشکر کرده و گفت: «حقیقاً همان نسخه‌ای را خواندم که رابینسون توصیه کرده بود و اکنون یک مسلمان هستم!»

یا گری ویلز، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ امریکایی و متخصص در تاریخ، سیاست،

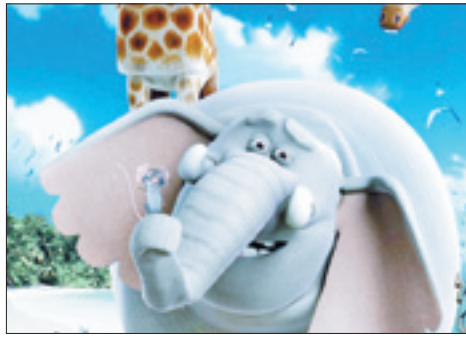
تا بودجه نباشد کسی سراغ تولید سریال تاریخی- مذهبی نمی‌رود



کشید. همچنین مجموعه «ولایت عشق» را دو سال و نیم فیلمبرداری کردیم؛ البته از زمانی که من شروع به تحقیق و نگارش فیلمنامه این سریال کردم تا زمانی که پخش سریال تمام شود، پنج سال زمان برد. فخریزاده به مشکلات مالی تلویزیون اشاره کرد و گفت: ساخت این نوع سریال‌ها سنگین و دشوار است و هزینه زیادی برای تولید آنها نیاز است. تلویزیون از اواسط دوره سرغلامی، رئیس سابق سازمان صدا و سیما گرفتار معضل میبود بودجه شد در نتیجه اگر بودجه نباشد اصل قضیه یعنی تولید و

«فیلشاه» برای انجام بخشی از رندیزینگ به اوگراین رفت

کشور گت؛ ما برای انجام این‌بخش از پروژه، اکثر سوپر کامپیوترها و رندر فارم‌های ایرانی را مورد بررسی قرار دادیم، اما بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های پردازشی و رندیزینگ کشور جهت انجام پروژه‌های علمی و دانشگاهی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ایجاد شده‌اند و آندک بخش‌های دیگری که برای تولید انیمیشن ایجاد شده‌اند نیز اکثراً توانمندی و قابلیت‌های لازم برای رندیزینگ پروژه «فیلشاه» با این حجم و کیفیت را نداشته‌اند، لذا ما دیگر نیازی به انجام این مراحل در خارج



■ **وهابی‌هایی که شیعه شدند**

وقتی تصاویر عزاداران امام حسین(ع) را در کشورهای مختلف رصد می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم چطور آتش به اختیار هستند افرادی که حتی در شرایط سخت و فشارهای دولتی یا آزار و اذیت‌های برخی نژادپرستان به سوگ می‌نشینند و مراسم عزاداری برپا می‌کنند بیشتر تحت تأثیر نیروی الهی قرار می‌گیریم؛ فرزندان امام خمینی که نمره صدور انقلاب اسلامی هستند در کشورهای مختلف سیام‌پوش می‌شوند و در خیمه‌های عزاداری، روضه کربلا می‌خوانند از حق و باطل می‌گویند و همه این‌ها نشان از عبور اسلام از موانع را دارد.

دکتر عبدالله دوسو از شخصیت‌های شناخته شده و معتبر علمی و دینی ساحل عاچ است که قبل از گرویدن به مذهب تشیع، جزو فعالان و مبلغان وهابیت بوده، می‌گوید: «به یاد دارم سال ۲۰۰۵ مراسم عزاداری امام حسین(ع) داشتیم، روز عاشورا در اجتماع وسیع

۱۱ سپتامبر وسیله‌ای بود برای جایگزینی اسلام به عنوان دشمن بعد از فروپاشی شوروی، اما همین اتفاق باعث شد تا در نتیجه‌ای برعکس خیل افراد که به اسلام رو آوردند و با تحقیق درباره اسلام خاصیت آن را دریابند و از سوی دیگر مسلمانان برای معرفی اسلام‌آستین بالا بزنند حتی تنها بازمانده ۱۱ سپتامبر هم در این میان مسلمان شد. در کنار کم‌کاری‌ها و ضعف رایزنی‌های فرهنگی ما در حوزه معرفی اسلام و قرآن، خود

غربی‌ها مستقیم و غیرمستقیم به اسلام و حقیقت ناب آن گرایش دارند و شاید تنها به یک تلنگر کوچک نیاز داشته باشند تا در بین‌ابوه تبلیغات منفی و سیانم‌های اسلام و مسلمانان می‌شود سره را از ناسره تشخیص بدهند، به ویژه این ظرفیت بکر در ایام عزاداری امام حسین(ع) نمود

بستر سازی درستی ایجاد کنند.

شهاب حسینی دوباره خلبان می‌شود

قرار است در بخش‌هایی از سریال «کارگاه ۴۸»، شهاب حسینی برای دومین بار نقش شهید بابایی را ایفا کند.

نگارش سریال «کارگاه ۴۸» به نویسندگی رسول صاعی به پایان رسیده و لوکیشن اصلی این سریال پایگاه هوایی شهر اصفهان است. این سریال ۲۵ قسمتی درباره تولید قطعه‌ای مهم- از هواپیمای F۱۴ است که یکی از مهم‌ترین هواپیمای جنگنده در دوران تحمیلی ایران و عراق بود. پیشتر این سریال به تهیه‌کنندگی حمید آخوندی وارد مرحله پیش‌تولید نیز شده بود، اما بعد از درگذشت او هنوز تهیه‌کننده‌ای برای «کارگاه ۴۸» انتخاب نشده‌است. ماجرای سریال از این قرار است که یک جوان مخترع از اهالی نجف‌آباد اصفهان موفق به ساخت این قطعه می‌شود و کشور را از بحرانی استراتژیک نجات می‌دهد. این قصه از روی واقعیت نوشته شده اما بنا به مقتضیات درام بخش‌هایی به آن اضافه شده‌است.

ماجرای «کارگاه ۴۸» به سال‌های ۶۴ تا ۶۴ برمی‌گردد و با شهادت شهید بابایی به پایان می‌رسد. همچنین شهاب حسینی که پیش‌تر در سریال «شوق پرواز» در نقش شهید عباس بابایی به ایفای نقش پرداخته بود، برای بازی در این سریال هم دعوت به همکاری شده‌است و در اصل تولید این قطعه از هواپیمای F۱۴ زیر نظر شهید بابایی صورت می‌گیرد.

سوره مهر منتشر کرد

زندگی به سبک یک پیاده‌نظام در کتاب «سایه تاک»

انتشارات **سوره مهر** کتاب «سایه تاک» شامل خاطرات سروان **پیاده چترباز**، **رحیم افشاری** را به کوشش **راحله صبوری** منتشر کرد.

این کتاب بر مبنای زندگی گروهان یکم پیاده رحیم افشاری، از نیروهای قدیمی تیپ ۵۵ هوابرد شیراز و در قالب ۱۰ روایت مستقل اما پیوسته نگارش یافته‌است.

این روایت‌ها به گفته صبوری، ابتدا به شیوه معمول خاطر‌نگاری از طریق مصاحبه جمع‌آوری شده و در ادامه تمامی مصاحبه‌ها به صورت کامل پیاده و مکتوب شده‌است و در ادامه بر مبنای این مصاحبه‌ها متن کتاب از زاویه دید مؤلف و بر اساس اولویت‌های انتخابی او برای انتخاب و چینش محتوا در کتاب قرار گرفته‌است. صبوری در بخشی از مقدمه خود در این کتاب می‌نویسد: همیشه این‌طور به نظر رسیده که تاریخ شفاهی هر جنگی فقط در دست زرمنده و خط‌شکن است اما این کتاب نشان می‌دهد حتی کسانی که کیلومترها با خط مقدم فاصله داشته و مسئولیت‌هایی غیر از خط‌شکنی در بعهده داشته‌اند، دیده‌ها و شنیده‌هایی دارند که می‌توانند موقعیت‌های تاریک و مبهمی از آن جنگ را برای ما مشخص و ترسیم کنند.

خاطرات **رحیم افشاری** اگرچه زندگی یک نظامی ساده است، شرح فراز و نشیب‌هایی است که بر او و هم‌زمانش رفته و شاهد خوبی است بر این مدعا که برای پی بردن به تمام رمز و رازها و گوشه‌های تاریک آن جنگ شاید بهتر باشد ابعاد انسانی جنگ را دریابیم؛ حتی آن لحظاتی که رزمندگان تصمیم می‌گیرند قدم به میدان جنگ بگذارند و لحظاتی که گلوله‌ها در کمینشان هستند و مرگ و زندگی آنها را رقم می‌زند را دریابیم، ببینیم و بشنویم.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: روز به نیمه رسیده بود. آفتاب چشمم را می‌زد. مغزم از هرم آفتاب می‌سوخت و دیگر فقط تشنگی بود که تعیین تکلیف می‌کرد. چشمانم را به سادی باز کردم. سربازها جلوی چشمم مثل سایه‌های سرسرگدان به رقص در آمدند. همه چیز بوی نستیی و مرگ می‌داد. دور تر سربایی دیدم که زیر نور آفتاب می‌درخشید. موج می‌زد و مرا به سمت خود می‌کشید. خواستم بگویم بچه‌ها آب پیدا کردند اما کونای فریاد زدن. سربار را که دیدم بدنم مثل شد. صدای شرشر آب و بر هم خوردن قالب‌های یخ در پیاله آب در گوشم پیچید. خواستم دستم را دراز کنم و با خنک داشت و روی گردنم سنگینی می‌کرد. دستم را به پیشانی سایه کردم. سایه کوچک دستم به مردمک‌های خستهم آراش داد. به زمین چنگ زدم و مشتی خاک برداشتم. صدای تراکتور پدرم در گوشم پیچید و کرت‌های سرنخ رنگ که از این سر مرز تا آن سررا را رنگ‌آمیزی می‌کردند. آماده‌برای کاشت گندم. گتتم؛ به جنتم. از همان آب گوگردی می‌خورم.

هر چه بادا باد. قمقمه‌ام را تا جلوی دهانم بردم. بی و بی و تکی می‌داد. خوردنی نبود… بوی آفت تلخ‌های پدرم را می‌داد: ناخودآگاه سرو و پایم شب و بی‌حس شد. زبانم در دهان به یک سوافتاد. هیاهویی را در ذهنم احساس کردم و همه چیز برابر چشمم تار و گنگ و درهم و برهم شد. مرگ را به چشم می‌دیدم که بالای سرم پرسه می‌زند. چشمانم که تا آن موقع بر سراب پیش‌رویم خیره مانده بود ناخودآگاه بسته شد و دیگر چیزی نفهمیدم. کتاب «سایه تاک» را نشر سوره مهر در ۲۱۰ صفحه با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر کرده‌است.